

● نامه به سر دبیر کد مقاله: ۰۲۰

## استادهای بی سند و آمارهای تخیلی

در بررسی مقالات پزشکی گاهی به ارقام و آماری برخورد می‌کنیم که صحت و سقم آن مورد تردید قرار می‌گیرد. مثلاً وقتی نگاه می‌کنیم فلان بیماری در فلان منطقه نمی‌تواند اینقدر زیاد باشد، و یا سن و سال نویسنده مقاله با ارقام ذکر شده اصلاً هم آهنگی ندارد، و یا دورانی که فلان کس مسئولیت فلان بخشی را داشته است با اعداد ذکر شده در مقاله مطابقت نمی‌کند، و یا این تعداد عمل جراحی ارائه شده با میزان کارکرد و مدت زمانی که هر عمل جراحی به طول می‌انجامد جور در نمی‌آید و ... همه این‌ها موجب شک و تردید در اصالت نوشته‌ها می‌شود.

از طرفی با کمال تأسف از هنگامی که مقاله نویسی برای کسب امتیاز و ارتقاء مقام دانشگاهی اجباری شده است شاهد مقالات آرایشی و تخیلی بسیاری هستیم که کاملاً مشخص است که نویسنده بیشتر از مواردی که در جریان آن بوده به آن افزوده است و بعضی هم از بس بدون توجه ارقامی را در محاورات معمولی به کار برده و مثلاً می‌گویند: من تاکنون بیش از پانصد مورد از این عمل جراحی را انجام داده‌ام و یا من هزاران بیمار این چنینی دیده‌ام و یا ...

و تکرار این ارقام به طور مستمر موجب می‌شود که امر بر خود گوینده هم مشتبه شده و آنرا به صورت مقاله ارائه می‌کند و اینجاست که به موضوعی استناد می‌گردد که هیچ سندی بر صحت آن موجود نیست.

و نکته در خور توجه دیگر اینکه تقریباً تمامی مقالات ارائه شده در مجلات داخلی و اکثریت مقالات چاپ شده در مطبوعات خارجی هیچگونه اظهارنظر؛ بحث؛ تفسیر؛ نقد و یا به اصطلاح Invited Commentary ندارد و نویسندگان هر چه بخواهند می‌نویسند و کسی هم در تأیید یا تکذیب آن مطلبی نمی‌نویسد و اظهارنظری نمی‌کند تا خواننده بتواند ارزیابی بیشتری درباره آن مقاله داشته باشد و سره را از ناسره تشخیص دهد.

و یادمان نرود که در سنوات اخیر مقالات متعددی در مجلات پزشکی چاپ شده و بعداً معلوم شده که هیچ پایه و اساسی نداشته است و تماماً حاصل ذهن نویسنده است و از طرفی با پیشرفت تکنولوژی روز خیلی‌ها هم مقالات خود را با دزدی کردن مقالات دیگران آرایش داده‌اند و فراموش نکنیم که اطلاعات دزدی یک گناه شنیع علمی است.

و بدتر از همه اینها گروهایی هم پیدا شده‌اند که با اخذ مبالغی قابل توجه قادر هستند که هر مقاله‌ای را در مطبوعات جهانی به چاپ برسانند.

و در آخر برای اینکه من تنها به قاضی نرفته باشم از خوانندگان گرامی تقاضا می‌کنم که از اظهارنظر خود ما را محروم نکنند.



دکتر عبدالحمید حسابی

استاد گروه جراحی دانشگاه علوم

پزشکی تهران